

# پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## پژوهشکده زبان شناسی

پایان نامه:

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

موضوع:

توصیف نظام آوایی گیلکی رشت

استاد راهنما:

آقای دکتر یحیی مدرسی

استاد مشاور:

آقای دکتر محمد دبیرمقدم

نگارش:

معصومه جمشیدی

زمستان ۱۳۷۳

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فهرست نشانه‌های آوایی
۳	پیشگفتار
۵	فصل ۱- مقدمه
۵	۱-۱- جغرافیای طبیعی
۷	۱-۲- جغرافیای تاریخی
۷	۱-۳- مذهب
۸	۱-۴- زبان
۱۰	۱-۵- فرهنگ و ادبیات
۱۰	۱-۶- رشت
۱۲	۱-۷- مروری بر پژوهش‌های زبانی گذشته
۱۵	۱-۸- هدف‌ها و سودمندی‌ها
۱۶	۱-۹- برخی مسائل نظری در واج شناسی
۲۳	۱-۱۰- روش کار
۲۵	فصل ۲- توصیف واجی
۲۵	۲-۱- همخوان‌ها
۳۸	۲-۱-۱- واجگونه‌های همخوان‌ها
۴۷	۲-۲- واکه‌ها
۵۲	۲-۲-۱- واجگونه‌های واکه‌ها
۵۶	۲-۲-۲- واکه‌های مرکب
۵۷	فصل ۳- فرآیندهای واجی
۵۷	۳-۱- همگونی
۵۷	۳-۱-۱- همگونی همخوان با واکه

۵۸	۳-۱-۲- همگونی واکه با همخوان
۵۸	۳-۱-۳- همگونی همخوان‌ها
۶۲	۳-۱-۴- هماهنگی واکه‌ای
۶۳	۳-۲- حذف
۶۳	۳-۲-۱- حذف همخوان
۶۴	۳-۲-۲- حذف واکه
۶۴	۳-۳- افزایش
۶۴	۳-۳-۱- میان هشت واکه‌ای
۶۵	۳-۴- مرکب‌شدگی واکه‌ای
۶۶	۳-۵- قلب
۶۶	۳-۶- نرم‌شدگی
۶۷	۳-۷- ابدال
۶۷	۳-۸- خنثی‌شدگی همخوانی
۶۸	فصل ۴- ساخت هجا
۶۸	۴-۱- ساخت هجا و الگوهای آن
۶۹	۴-۱-۱- رابطه بین همخوان‌ها و واکه مرکزی
۷۰	۴-۱-۲- رابطه ساختمانی بین همخوان‌ها در دامنه هجا
۷۴	۴-۲- الگوی ترکیب هجاهای مختلف
۷۷	فصل ۵- ویژگی‌های زبر زنجیری
۷۷	۵-۱- تعریف
۷۷	۵-۲- تکیه
۸۰	۵-۳- آهنگ
۸۱	فصل ۶- خلاصه
۸۴	ضمیمه
۸۹	کتابنامه

## فهرست نشانه‌های آوایی

همخوان‌ها	مثال	معادل فارسی
/p/	انسدادی، دولبی، بی‌واک	/per/ پدر
/b/	انسدادی، دولبی، واک‌دار	/ba/ باید
/t/	انسدادی، لثوی - دندانی، بی‌واک	/turb/ ترب
/d/	انسدادی، لثوی - دندانی، واک‌دار	/dar/ درخت
/k/	انسدادی، نرم‌کامی، بی‌واک	/kor/ دختر
/g/	انسدادی، نرم‌کامی، واک‌دار	/gul/ گل
/G/	انسدادی - ملازی، واک‌دار	/Gəd/ قد
/ʔ/	انسدادی، چاکنایی، بی‌واک	/ʔæyæ/ اینجا
/č/	مرکب، لثوی - کامی، بی‌واک	/čəl/ گل ولای
/ĵ/	مرکب، لثوی - کامی، واک‌دار	/ĵul/ لپ، گونه
/ʃ/	سایشی، لب و دندانی، بی‌واک	/ʃəl/ شلتوک
/V/	سایشی، لب و دندانی، واک‌دار	/vaz/ جست، پرش
/S/	سایشی، لثوی - دندانی، بی‌واک	/ser/ سیر
/z/	سایشی، لثوی - دندانی، واک‌دار	/zərx/ تلخ
/s/	سایشی، لثوی - کامی، بی‌واک	/səl/ لنگ
/x/	سایشی، نرم‌کامی، بی‌واک	/xus/ سرفه
/z/	سایشی، لثوی - دندانی، واک‌دار	/zərx/ تلخ
/s/	سایشی، لثوی - کامی، بی‌واک	/səl/ لنگ
/x/	سایشی، نرم‌کامی، بی‌واک	/xus/ سرفه
/h/	سایشی، چاکنایی، بی‌واک	/hæn/ همین
/m/	خیشومی، دولبی، واک‌دار	/mərd/ مرد

/n/	خیشومی، لثوی - دندانی، واک‌دار	/nuxun/	در ظرف سفالی
/l/	کناری، لثوی - دندانی، واک‌دار	/luč/	چشم چپ
/r/	غلطان، لثوی - دندانی، واک‌دار	/rek/	پسر
/y/	غلت، کامی، واک‌دار	/yaman/	آماس، ورم
واکه‌ها			
/i/	افراشته، پیشین، گسترده	/Ĵir/	پائین
/e/	نیمه‌افراشته، پیشین، گسترده	/seb/	سیب
/æ/	افتاده، پیشین، گسترده	/hæn/	همین
/u/	افراشته، پسین، گرد	/purd/	پل
/o/	نیمه‌افراشته، پسین، گرد	/xob/	خوب
/a/	افتاده، پسین، گرد	/xab/	خواب
/ɔ/	نیمه‌افراشته، مرکزی، خنثی	/Čɔl/	گل ولای

### نشانه‌های زیروزبری

نشانه‌ها	مثال	معادل فارسی
[C̣]	نشانه واکرفتگی [ʔabč̣in]	زوروق
[C̄]	نشانه عدم آمادگی [qapp̄as]	توسری
[C̥]	نشانه عدم انجام [č̥əmp̄a]	نوعی برنج
[C̥̣]	نشانه لبی شدگی [p̣̣urd]	پل
[C:]	نشانه کشیدگی [kaf:al]	نوعی ماهی
[C̣̣]	نشانه تولید دندانی [ṭ̣uɲdi]	تغییر
[C̣̣̣]	نشانه تولید سخت [ḥ̣̣ərmalə]	به ندرت
[V:]	نشانه کشیدگی واکه‌ای [hi:st]	خیس
[V̄]	نشانه خیشومی شدگی [ʔæm̄on]	آمدن

## پیشگفتار

گوش‌شناسی یکی از رشته‌های با سابقه زبان‌شناسی است که تا پیش از اواخر قرن نوزده با زبان‌شناسی تاریخی در آمیخته بود. بررسی‌های گوش‌شناسی، در ابتدا، شاید بیشتر به منظور کشف دلایل بی‌نظمی در زبان‌های معیار انجام می‌گرفت. این گونه مطالعات نشان می‌داد که منشاء این بی‌نظمی‌ها، در گونه‌های متفاوت فردی و گوش‌های مختلف یک زبان است. توجه به گوش‌ها و ارزشمند شمردن آنها همزمان است با نهضت رمانتیسم در اروپا. از اواخر قرن هیجده، چهره‌های ادبی به پیروی از ژان‌ژاک روسو، به گوش‌های محلی توجه می‌کنند و شخصیت‌هایی مانند وردث ورث و توماس هاردی برای نشان دادن برابری این گوش‌ها با زبان‌های ادبی، آنها را در آثار خود به کار می‌بندند. از این دوره به بعد توجه زبان‌شناسان نیز به گوش‌ها معطوف می‌شود.

ظاهراً، یکی از اولین کارهای مستقل در زمینه گوش‌شناسی دستورگوش باواریایی است که توسط جی.ای. اشلمر<sup>۱</sup> به سال ۱۸۲۱ نوشته می‌شود<sup>۲</sup>، و به تدریج دیگران از وی پیروی می‌کنند و به ثبت گوش‌های باواریایی می‌پردازند. در اواخر قرن نوزده و در قرن بیستم بررسی بر روی گوش‌های اروپایی و امریکایی به صورت فعالی دنبال می‌شود، تا جایی که برخی کشورها مانند امریکا، سوئیس، فرانسه، و ایتالیا اطلس گوش‌شناسی خود را تکمیل می‌کنند.

گفته می‌شود که کشور ایران نیز به لحاظ داشتن گوش‌ها و لهجه‌های متنوع بسیار غنی است ولی تا ثبت و بررسی علمی کلیه آنها راه درازی در پیش است. تاریخ آغاز مطالعات گوش‌شناسی ایرانی‌ها به زمان دوری بر نمی‌گردد. در بررسی و مطالعه علمی زبان‌ها و گوش‌های ایرانی کنونی (همانند زبان‌های ایرانی قدیم) زبان‌شناسان و مستشرقین اروپایی سهم اساسی داشته‌اند. از جمله می‌توان، در این مورد به کارهای ژیلبر لازار در زمینه دستور زبان طالشی ماسوله، پی. بیدار در زمینه دستور زبان کردی، و

1 . J.A. Schmeller

2 . Winfred P. Lehman (1973), pp. 110-111

اثر دی. ال. آر. لوریمر در خصوص واج‌شناسی بختیاری اشاره نمود. در چند دهه گذشته، محققان و زبان‌شناسان ایرانی نیز به گردآوری، ثبت و مطالعه گویش‌ها و زبان‌های ایرانی پرداخته‌اند و دهها زبان و گویش از جمله گویش کردی مهاباد اثر ایران کلباسی، بررسی گویش قاین اثر رضا زمردیان در قالب کتاب، مقاله و پایان‌نامه دانشگاهی مورد مطالعه قرار گرفته است.

پایان‌نامه حاضر به بررسی و مطالعه نظام آوایی گیلکی مبتنی بر گویش مردم رشت می‌پردازد. در تهیه این پایان‌نامه از راهنمایی‌های ارزشمند آقایان دکتر یحیی مدرس، استاد راهنما و دکتر محمد دبیر مقدم، استاد مشاورم بهره بسیاری برده‌ام و از ایشان سپاسگزارم.

معصومه جمشیدی

زمستان ۱۳۷۳

# فصل اول

## مقدمه

### ۱-۱- جغرافیای طبیعی

استان گیلان بین ۳۶ درجه و ۲۸ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۴۴ دقیقه طول شرقی واقع است. این استان از غرب به استان اردبیل، از شرق به مازندران، از جنوب و جنوب غربی به استان زنجان و از شمال به دریای خزر و کشورهای مشترک‌المنافع محدود است. طول آن از شمال غربی تا جنوب شرقی ۳۲۵ کیلومتر و عرض آن از قله کوه تا ساحل دریا ۲۵ تا ۱۰۵ کیلومتر است. محدوده مزبور را رشته کوه‌های مرتفعی احاطه کرده است و مساحت کل آن ۱۴۷۱۱ کیلومتر مربع است.<sup>۳</sup> (نگاه کنید به نقشه صفحه بعد)

آب و هوای استان گیلان به علت ارتفاع کوه‌ها و مجاورت با دریا بسیار متغیر است و همواره مه سنگینی از دریا به طرف کوه‌ها و از کوه‌ها به سمت دریا در حرکت است و هوای این منطقه را پیوسته مرطوب نگه می‌دارد. جهت وزش باد بیشتر از شمال و شمال شرقی است. میزان بارندگی استان از ۱۲۵۰ تا ۱۵۵۰ میلی‌متر در سال است. در زمستان اغلب برف‌های سنگینی بر زمین می‌نشیند. حرارت متوسط این استان ۱۹ درجه و در سردترین ایام تا ۷ درجه زیر صفر و گرم‌ترین اوقات تا ۳۲ درجه بالای صفر است. جمعیت این استان براساس سرشماری سال ۱۳۷۰، ۲،۶۰۲،۳۰۲ نفر است.<sup>۴</sup>

۳- آمار نامه استان گیلان ۱۳۷۰، (۱۳۷۱)، ص ۲۰.

۴- همانجا، ص ۲۶.



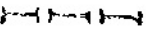





# نقشه استان گیلان به تفکیک شهرستان

استان اردبیل

دریای خزر

استان  
مازندران

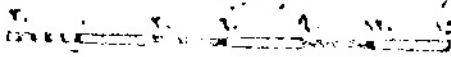
استان زنجان

- رودخانه  
مرکز ادارات  
محل
-  مرگانه
  -  حدود کشی
  -  حدود شهرستان
  -  مرکز کشی
  -  مرکز شهرستان
  -  تقاضی



تصاویر

کیلی



## ۱-۲- جغرافیای تاریخی

گیلان یا گیلای<sup>۵</sup> یونانی اسم جمع است به معنی گیل‌ها و سرزمین گیل‌ها. از گیلان عهد باستان تنها به وسیله مورخان و نویسندگان قدیم و اشاراتی مبهم که در سنگ نبشته‌ها به آن دیار و ساکنان آن شده، اطلاعاتی در دست است، زیرا به سبب رطوبت هوا، بارندگی‌های طولانی و جنگل‌های فراوان، آثار و ابنیه تاریخی که عمدتاً منابع مطالعه و تحقیق محققان هستند، تخریب شده‌اند. ساکنان استان گیلان را در گذشته گل‌ها یا گیل‌ها تشکیل می‌دادند که از طوایف آریین بودند و یونانیان آنها را کادوسی یا کاتوزی می‌نامیدند.

در دوره ساسانیان نیز از دو طایفه گیل و دیلم نام برده شده است. گیل‌ها در قسمت جلگه‌ای و سواحل دریای خزر ساکن بودند که امروزه شهرهای رشت، لاهیجان و فومن را در بر می‌گیرد، و دیلم‌ها در نواحی کوهستانی و در حدود رودبار و الموت سکونت داشتند. از شهرهای لاهیجان و رشت برای اولین بار در آثار و نوشته‌های دوره مغول نام برده شده است. ظاهراً رونق و توسعه زندگانی این ناحیه از قرن دهم هجری به بعد بوده است.<sup>۶</sup> از این سرزمین در کتاب اوستا به عنوان «وارنا» نام برده شده است و در دوره اسلامی، دیلم و دیلمستان و گاه گیلان خوانده شده است. دو طایفه گیل و دیلم تا اوایل قرن هشتم هجری از یکدیگر مجزا بودند ولی بعد از آن در مقابل هجوم بیگانگان متحد شده و از آن پس با هم درآمیخته و ساکنان امروزی گیلان از امتزاج و اتحاد آن طایفه شکل گرفته است.

## ۱-۳- مذهب

مذهب تشیع که مذهب رسمی کشورمان است، در تمام نواحی گیلان رواج دارد، ولی اقلیت نسبتاً مهمی که اغلب اهل تسنن (شافعی) می‌باشند، در طالش مرکزی و

5. Gelae

۶- و. بارتولد (۱۳۰۸)، ص ۲۸۲.

شمالی سکونت دارند. محدوده این مذهب با مرزهای زبانی یعنی مرزهای بین گیلکی و طالشی در جنوب شرقی، تاتی و ترکی آذری و طالشی در غرب به طور کلی مطابقت می‌کند. مرز جنوبی منطقه طالش را به دو قسمت تقسیم می‌کند که اهالی آن در اطراف شاندرمن صددرصد شیعه، و از آنجا هر قدر به سمت شمال برویم، ساکنان سنی مذهب آن بیشتر می‌شوند. علاوه بر این، در منطقه سنی‌نشین این ناحیه، گرایش به زبان ترکی با نفوذ مذهب شیعه همراه بوده است؛ به گونه‌ای که تنها محدوده‌های مرکزی طالش دولاب و اسالم کاملاً سنی باقی مانده‌اند. مذهب شیعه به طور هماهنگ همراه با زبان ترکی به محدوده‌های شمالی‌تر نیز نفوذ کرده است. در خارج از منطقه طالش، فقط چند دهکده کردنشین خلخال با مذهب سنی باقی مانده است و اقلیت‌های مذهبی علی‌اللهی نیز در بین گروه‌های کرد در مناطق دیگر از جمله خلخال و اطراف مرداب انزلی اقامت دارند. از اقلیت‌های غیرمسلمان می‌توان گروه‌های کوچک ارمنی را در شهرهای رشت و انزلی نام برد.

#### ۱-۴- زبان

به جز زبان ترکی آذری که در این استان گویندگان بسیاری دارد، بقیه زبانها و گویش‌های گیلان از اعضای خانواده زبان‌های ایرانی شمال غربی هستند. این خانواده زبانی، زبان‌های مرکزی، کردی، زازا و گورانی، بلوچی و گویش‌های کرانه‌های دریای خزر را در بر می‌گیرد. گویش‌های کرانه دریای خزر شامل مازندرانی، گیلکی، طالشی و تاتی است که غیر از مازندرانی، بقیه آنها در این استان تکلم می‌شوند.

گیلکی که به دو شاخه گیلکی رشتی و گیلکی لاهیجانی تقسیم می‌شود، در دشت ساحلی رواج دارد. سفید رود تقریباً در بخش شمالی خود مرز میان این دو لهجه است.<sup>۷</sup> به لحاظ تاریخی، لویی رابینو برای نشان دادن تفاوت این دو لهجه از اصطلاح بیه پیش و

۷- مارسل بازن (۱۳۶۵)، ص ۲۱.

بیه پس استفاده می‌کند. ظاهراً، در قرون وسطی، ساحل سمت راست رودخانه سفیدرود را که شامل لاهیجان و لنگرود است، بیه پیش و اراضی سمت چپ که شامل رشت، فومنات، گسکر و تولم است، بیه پس نامیده‌اند.

در مناطق کوهستانی دامنه مرطوب، در بخش غربی به طالش و در بخش شرقی به گالشی تکلم می‌شود، ولی در مواردی مسئله کمی پیچیده است. مثلاً علاوه بر کوهستان، در دشت ساحلی نیز از رضوان شهر به سمت شمال، گویش طالشی رواج کامل دارد، ولی در شمال کرگانرود رفته‌رفته گویش طالشی جای خود را به زبان ترکی داده است. گرایش به زبان ترکی در منطقه طالش نشین یکی از ویژگیهای اصلی موقعیت زبانی در بخش شمالی استان گیلان است.

در غرب استان، ساکنان دامنه خشک ترک زبانند، و در جنوب تا دره شاهرود به زبان تاتی تکلم می‌کنند. از آنجا به بعد دوباره محدوده ترکی آذری آغاز می‌شود. در جنوب خلخال، در نقاط دور افتاده، مردم به زبان تاتی تکلم می‌کنند، و اقلیت‌های کرد در غرب و شرق استان ساکن هستند که در زمان سلطنت نادرشاه به این منطقه کوچانده شدند.

برخلاف ترک زبانان که اغلب به غیر از زبان مادریشان با زبان دیگری آشنایی ندارند، گیلک‌ها، طالش‌ها، تات‌ها، و کردها اغلب به چند زبان آشنایی دارند. این چند زبانی در اقلیت‌های بالایی جامعه رایج‌تر است. آشنایی به زبان فارسی بیشتر تابع عوامل اجتماعی مانند سن، جنسیت و موقعیت است تا تغییرات منطقه‌ای. ولی در مجموع آشنایی با زبان فارسی در جنوب استان بیشتر از شمال آن است. در کل ترک زبانان از این قاعده مستثنی هستند، آنها بیش از دیگران مهاجرت می‌کنند ولی به ندرت با گیلکی یا فارسی آشنا هستند. البته تفاوت بین خانواده زبان‌ها این عدم آشنایی را تشدید می‌کند.<sup>۸</sup>

## ۱-۵- فرهنگ و ادبیات

گویش گیلکی در گذشته دور دارای ادبیات مکتوب نبوده است. در بدو اسلام، شرایط اقلیمی، زوبین جنگاوران و جنگل‌های انبوه در رشته کوه‌های جنوبی، این استان را از هجوم دیگران مصون می‌داشته است، ولی در عین حال مردم این منطقه از برقراری مبادلات فرهنگی و بهره گرفتن از فرهنگ دیگر اقوام قلمرو ساسانی، دوران سامانی و اعصار بعد از آن محروم بودند. به نظر می‌رسد این مهجوری و انزوا و نداشتن الفباء بزرگترین علت به وجود نیامدن ادبیات منظوم و مکتوب در گیلان در دوران باستان و قرون وسطا است.

فرهنگ عامه گیلان اصیل و غنی است و دارای افسانه‌های بسیاری است. از کسانی که در گذشته به گیلکی شعر و ترانه گفته‌اند، فقط از سید شرف شاه حکیم و عارف گیلان می‌توان نام برد که در اواسط قرن هفت هجری می‌زیست. ظاهراً عنصرالمعالی قابوس و شمگیر نیز به گیلکی شعر می‌گفته است ولی اشعار او از نسخ قابوسنامه حذف شده است. در دیوان قاسم انوار (فوت در سال ۸۳۷ هجری) که مدتی در گیلان می‌زیسته، اشعار گیلکی وجود دارد.<sup>۹</sup>

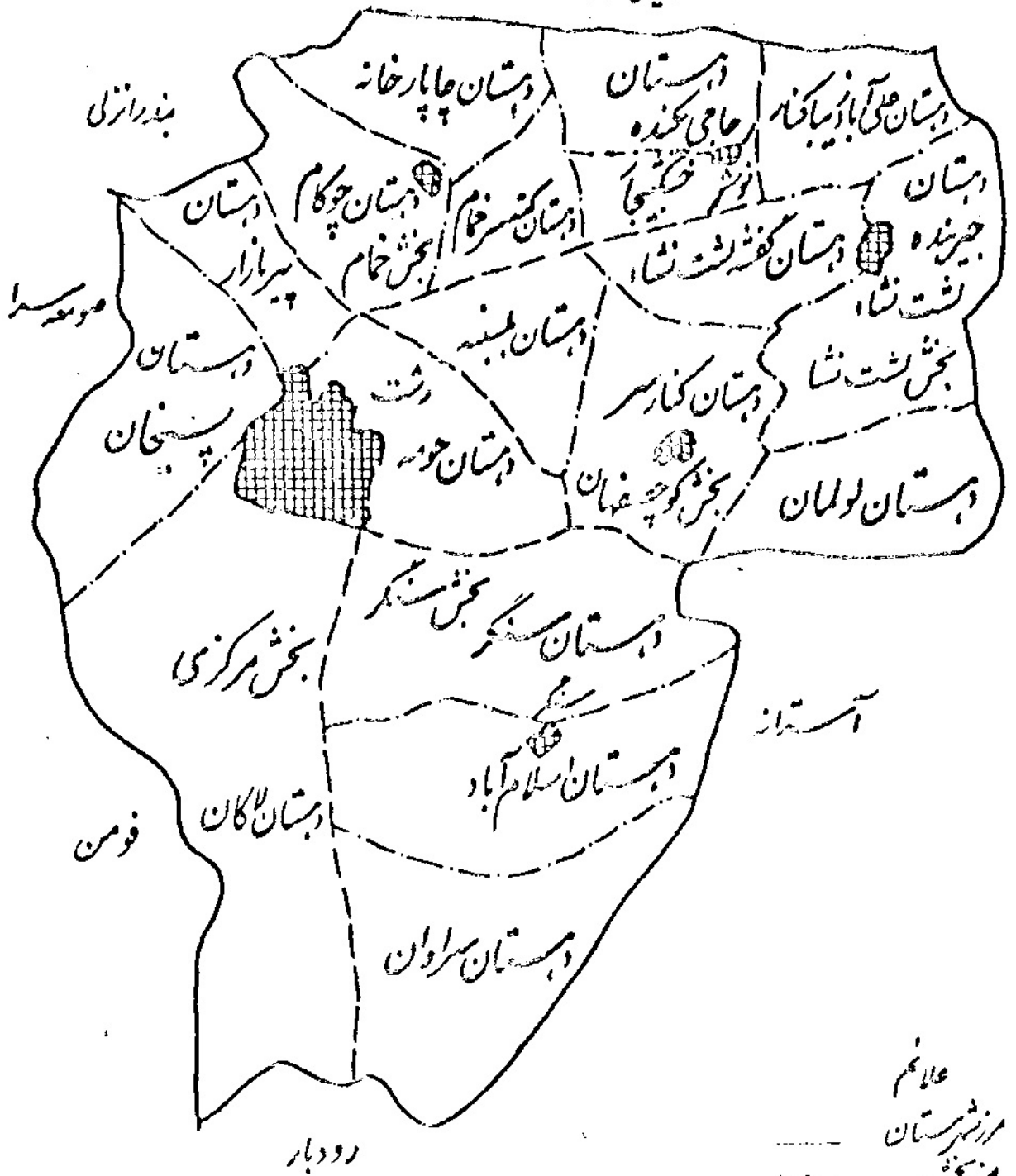
## ۱-۶- رشت

در پایان‌نامه حاضر، نظام آوایی آن گونه از گویش گیلکی که در شهرستان رشت تکلم می‌شود، مورد بررسی قرار می‌گیرد. این شهر مرکز استان گیلان است که میان دو رودخانه گهر رود و سیاهرود، در زمین‌های رسوبی جنوب مرداب بندر انزلی، در ۴۹ درجه و ۳۴ دقیقه طول شرقی و ۳۷ درجه و ۱۶ دقیقه عرض شمالی هم سطح دریای آزاد قرار دارد. این شهر از شمال به بخش خممام و دهستان چوکام، از شرق به بخش کوچصفهان، از غرب به دهستان پسیخان، و از جنوب به بخش سنگر و بخش مرکزی

۹- کریم کشاورز (۱۳۴۷)، ص ص ۱۳۰ - ۱۳۲

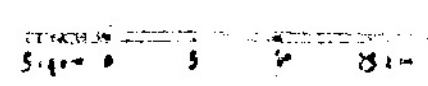
نقشه شهرستان رشت پهلوان بخش او و استان مازندانی

دریای خزر



استان

- علائق
- مرز شهرستان
- مرز بخش
- مرز شهرستان
- نقاط شهری



مقیاس تقریبی

محدود است. (نگاه کنید به نقشه صفحه بعد) به موجب آمار مرکز آمار ایران در سال ۱۳۷۰ جمعیت شهرستان رشت ۷۱۵۰۱۳ نفر و جمعیت شهر رشت ۲۹۰۸۹۷ نفر بوده است.<sup>۱۰</sup> بنای این شهر را در قبل از میلاد مسیح به قوم گیل و دیلم نسبت می دهند. رشت در ابتدای سلطنت صفویه به صورت یک قصبه بوده است ولی وضعیت مرکزی آن برای تجارت فوق العاده مناسب بود و از این رو شاه عباس آن را مرکز ایالت نمود و در زمان صفویه این شهر رو به توسعه و آبادانی نهاد و در زمان قاجار به واسطه گسترش روابط تجاری میان ایران و روسیه دروازه اروپا نام گرفت.<sup>۱۱</sup> این شهر را دارالاماره و دارالمرز نیز نامیده اند. این نام گاه به تمام منطقه ساحلی دریای خزر از آستارا تا گرگان هم اطلاق شده است.

در سال ۱۷۱۷، جان بل<sup>۱۲</sup> رشت را به صورت دشت وسیعی تعریف کرده که همه اطراف آن را جنگل های انبوه فرا گرفته است و آرایش پراکنده خانه های آن صورتی روستایی داده است. شالیزارها و مرداب هایی که این شهر را احاطه کرده، هوای آن را ناسالم ساخته است و در فصل تابستان بیماری های مسری در این منطقه زیاد دیده می شود. این شهر چندین بار از زمین لرزه و حریق آسیب دیده و طاعون سال ۱۸۳۰-۳۱ کاهش فراوانی در جمعیت آن به وجود آورده است.<sup>۱۳</sup>

#### ۱-۷- مروری بر پژوهش های زبانی گذشته

گفته می شود که به طور کلی در لهجه های مختلف گیلان مطالعه علمی چندانی به عمل نیامده است. گویش گیلکی از اواسط قرن ۱۸ میلادی مورد تحقیق علمی سیاحان و محققان اروپایی قرار گرفت.

گملین<sup>۱۴</sup> نخستین کسی از اروپائیان است که به گویش گیلکی توجه می کند. وی از

۱۰- آمارنامه استان گیلان ۱۳۷۰ (۱۳۷۱)، ص ۲۹. ۱۱- عطاءالله تدین (۱۳۵۳)، ص ۲۰

12 . J.Bell

۱۳- ل. رابینو (۱۳۶۶)، ص ص ۷۰-۷۱.

14 . S.G. Gmelin

سوی آکادمی سلطنتی سن پترزبورگ مأموریت می‌یابد که به گیلان و مازندران سفر کند. وی در هنگام اقامتش در گیلان در جمع‌آوری واژه‌ها و لغات گیلکی، به خصوص نام‌های جانوران و گیاهان کوشش فراوان می‌کند و آنها را در کتاب خود به نام سیر و سفر در روسیه برای پژوهش در خصوص سه قدرت طبیعت<sup>۱۵</sup> در سال ۱۷۷۵ منتشر می‌سازد.

الکساندر خودزکو (۱۸۳۰) ایران‌شناس روسی نیز دربارهٔ لهجه‌های خزری مطالعه کرد. وی یازده سال در ایران و از جمله در ایالات شمالی اقامت داشت و کتابی تحت عنوان قطعاتی از آثار منظوم محلی ایران<sup>۱۶</sup> به سال ۱۸۴۲ چاپ کرد. این کتاب شامل اطلاعات کلی راجع به ایالات شمالی ایران و منطقهٔ رواج گیلکی، متن اشعار و ترانه‌های محلی همراه با توضیحات لغوی است. برزین<sup>۱۷</sup>، استاد دانشگاه غازان که از سال ۱۸۴۲ تا ۱۸۴۵ در ایران اقامت داشت، اولین کسی بود که برای گیلکی دستور نوشت و عنوان اثر وی پژوهشی در باب گویش‌های ایرانی<sup>۱۸</sup> است که در سال ۱۸۳۵ در غازان به چاپ رسید. وی مواد و مطالب محققان پیش از خود یعنی گملین و خودزکو در اثر خود گنجانده، در واقع کار ارزندهٔ وی این است که آنچه را که پیشینیان وی جمع‌آوری کرده‌اند، منظم و مدون می‌کند و برای آن قاعده و دستور می‌سازد.

در نیمهٔ دوم قرن نوزده، برنارد دورن<sup>۱۹</sup>، ایران‌شناس روسی، راجع به گیلکی مطالعاتی می‌کند و گزارش سفر و مطالعات خود را در سال ۱۸۶۲ در بولتن علمی چاپ می‌کند. وی با گردآوری و تنظیم تعدادی اشعار و ترانه‌های گیلکی و ترجمهٔ قطعاتی از داستان‌های فارسی به گلیکی اساس و مقدمات تألیف یک فرهنگ فارسی - گیلکی را فراهم می‌کند ولی نمی‌تواند از تمام مواد خود استفاده کند و آنها را منتشر نماید. بعدها این مطالب مورد استفادهٔ ویلهلم گایگر<sup>۲۰</sup>، استاد ایران‌شناس آلمانی قرار می‌گیرد.

15 . Puteshestviya Po Rossijdlya issledovaniya veskh trekh tsarstv v prirode

16 . Specimen of the Popular Poetry of Persia . London. 1842.

17 . I.N. Berésine

18 . Recherches sur les dialects persans

19 . B.A. Dorn

20 . W. Geiger



گ. ملگونوف<sup>۲۱</sup>، از دیگر ایران‌شناسان روس است که در سال ۱۸۶۳ با ترجمه چند ترانه گیلکی به روسی و انتشار گزارش مفصل درباره مسافرت علمی خود به سرزمین‌های جنوبی خزر، اطلاعات جدیدی در اختیار دانش پژوهان قرار می‌دهد. وی در سال ۱۸۶۸ گفتار دستور و قواعد گیلکی و مازندرانی خود را با عنوان مقاله‌ای در باب گویش‌های مازندرانی و گیلانی<sup>۲۲</sup> در جلد ۲۲ مجله انجمن آسیایی آلمان به چاپ رساند.

مطالبی که تا این زمان درباره گویش گیلکی گردآوری شده بود، توسط و. گایگر در نوشتن کتاب گویش‌های خزری<sup>۲۳</sup> به کار رفت، ولی گفته می‌شود که بخش آواشناسی این اثر چندان ارزشمند نبوده است.<sup>۲۴</sup>

در سال ۱۹۳۰، کریستین سن<sup>۲۵</sup>، ایران‌شناس دانمارکی به این گویش توجه نمود و دستور آن را از روی مطالبی که خود در شهر رشت گردآوری نموده بود، تدوین کرد و آن را در کنار هفت متن و سه منظومه و واژه‌نامه در جلد اول کتاب خود تحت عنوان اهتمام در گویش‌شناسی ایرانی<sup>۲۶</sup> در سال ۱۹۳۰ منتشر ساخت. ظاهر آکرستین سن نیز موفق به تعیین دستگاه آوایی گیلکی نگردید و به قواعد جمله‌بندی توجه ننمود، بلکه تنها به قواعد صرف و حالات اسم پرداخت.

در سال ۱۹۵۳، سه ایران‌شناس روسی به نام‌های ساکالووا<sup>۲۷</sup>، زاویالووا<sup>۲۸</sup>، و پاخالینا<sup>۲۹</sup> به مطالعه گیلکی پرداختند. ساکالووا و پاخالینا گفتاری به نام زبان گیلکی به چاپ رساندند. زاویالووا برای نخستین بار به بررسی دستگاه آوایی گیلکی پرداخت و موفق گردید که آن را تحت عنوان اطلاعات جدید در آواشناسی زبان‌های ایرانی:

21 . G.Melgunov

22 . Essai sur les dialects de Mazandaran et de Gilan

23 . Kleinere Dialekte und Dialect - gruppen . Die kaspischen Dialect.

۲۴- محسن ابرالقاسمی (۱۳۵۰)، صص ۶۷۱-۶۷۴.

25 . A . Christensen

26 . Contribution a la dialectologie iranienne.

27 . V.S.Sokolova

28 . Zavyalova

29 . Pakhalina

زبانهای مازندرانی و گیلانی<sup>۳۰</sup> در سال ۱۹۵۶ منتشر کنند.

در سال ۱۹۷۱، و.س. راستارگویوا، آ.آ. کریمووا، آ.ک. محمدزاده، ل. آ. پیری کو، دی. ای. اولمان زیر نظر و.س. راستارگویوا کتاب زبان گیلکی<sup>۳۱</sup> را در مسکو منتشر ساختند که شامل مقدمه و پنج فصل درباره دستگاه صوتی، واژه‌ها، واژه‌سازی و صرف و نحو گیلکی است.

در میان پژوهشگران ایرانی، دکتر منوچهر ستوده، در سال ۱۳۳۲ فرهنگ گیلکی را به چاپ رساند. این فرهنگ واژگان مختلف این گویش را در نقاط مختلف گیلان در برمی‌گیرد.

در سال ۱۳۴۸ خانم قمرکیا پایان‌نامه کارشناسی خود را تحت عنوان «گویش رشتی» ارائه کرده است و آقای مسمود پورریاحی نیز رساله دکتری خود را تحت عنوان «بررسی دستور گویش گیلکی رشت» در سال ۱۳۵۰ دفاع نموده است. در سال ۱۳۶۹، جهانگیر سرتیپ پور اولین کتاب دستور گیلکی را در ایران با نام ویژگی‌های دستوری و فرهنگ واژه‌های گیلکی به چاپ می‌رساند. داوود سرمست دستک در سال ۱۳۷۱، گویش گیلکی حسن‌کیاده را مورد بررسی قرار می‌دهد و در کنار مقدمه به توصیف نظام آوایی و صرف و نحو این گویش می‌پردازد و در پایان واژه‌نامه‌ای را نیز ارائه می‌کند. در پائیز همین سال گروه اسمی و گروه فعلی گویش گیلکی صومعه‌سرا توسط مصطفی حقیری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۱-۸- هدف‌ها و سودمندی‌ها

چنانکه اشاره گردید، در این پایان‌نامه، نظام آوایی گویش گیلکی شهر رشت مورد بررسی قرار می‌گیرد. مطالعه و بررسی گویش‌ها به شیوه‌های علمی، گذشته از فراهم کردن مواد زبانی موثر برای تحقیقات بعدی به شناخت فرهنگ و پیشینه مردمی که به آن

30 . Novye svedeniya po fonetike irankikh yazыkov : Gilanskij Mazanderanskij yazыki

31 . Gilyanskij yazыk

تکلم می‌کنند، نیز کمک می‌کند. بررسی و شناخت گویش‌های مختلف می‌تواند امکان انجام بررسی‌های تطبیقی را فراهم سازد، در کشف ویژگی‌های مشترک زبان‌های ایرانی سودمند افتد و در روشن نمودن برخی نکات مبهم در تلفظ واژه‌های قدیمی مؤثر باشد. از سوی دیگر شاید با بررسی تک‌تک گویش‌ها بتوان گامی در جهت تهیه اطلس زبان‌شناسی که در کشور ما هنوز تدوین نشده است، برداشت.

### ۱-۹- برخی مسائل نظری در واج‌شناسی

هدف واج‌شناسی به عنوان یکی از رشته‌های زبان‌شناسی، مطالعه خصوصیات نظام‌های آوایی است. در بررسی نظام آوایی یک زبان نه تنها مطالعه خصیصه‌های فیزیکی صداها، بلکه مطالعه خصوصیات دستوری آنها نیز ضروری است، و واج‌شناسی توضیح می‌دهد که چه تفاوت‌های صوتی منجر به تفاوت‌های معنایی در یک زبان می‌شود و عناصر تمایز دهنده چگونه در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند و براساس چه قواعدی برای ساختن واژه‌ها و جمله‌ها با هم ترکیب می‌شوند.<sup>۳۲</sup>

در مطالعات واج‌شناسی، مجموعه صداها یا یک زبان مورد بررسی قرار می‌گیرند. ممکن است دو زبان دارای مجموعه صدایی یکسان باشند، ولی نظام واجی آنها متفاوت باشد. پس مطالعه واجی به نقش ساختاری صداها در یک زبان می‌پردازد. در تمام زبان‌ها، در مورد نحوه هم‌نشینی واحدهای صدایی، به لحاظ توالی، محدودیت‌هایی وجود دارد؛ واژه‌ها یا هجاها در موضع آغازی با واحدهای به خصوصی آغاز می‌شوند، یا صدای خاصی نمی‌تواند قبل یا پس از واحدهای آوایی دیگر واقع شود. مطالعات واجی بر وجود تعدادی ویژگی مشترک در نظام‌های صوتی زبان‌های جهان صحنه گذاشته است و یکی از اهداف عمده واج‌شناسان کشف جهانی‌های زبان در محدوده نظام آوایی است.

۳۲- لاری ام. هاین (۱۳۶۸)، ص ۲۰.

واج شناسی تا قرن نوزدهم صرفاً به مطالعه تلفظ زبان‌ها می‌پرداخت، و کم و بیش با آواشناسی یکی شمرده می‌شد. مطالعات انجام شده در این زمینه نیز بیشتر جنبه تاریخی و در زمانی داشته است. در اواخر قرن نوزدهم سوسور با طرح نظریات خود و تأکید بر جدایی زبان‌شناسی تاریخی و همزمانی، موجب جدایی این دو رشته می‌شود. سوسور میان دال و مدلول نیز تمایز قائل می‌شود. منظور از مدلول همان تصور آوایی است و آن را کوچکترین عنصر زبانی یا واحدهای نهایی تجزیه‌ناپذیر می‌داند. سوسور به طرح اصول کلی دست می‌زند، همچون اینکه "آنچه در زبان مطرح است، آوا نیست، بلکه تقابل میان آواهاست"<sup>۳۳</sup>.

تروبتسکوی معتقد است اولین کسی که اصطلاح واج را به معنی امروزی آن به کار برد، بودون دوکورتنی<sup>۳۴</sup> است. وی لهستانی الاصل و بنیان‌گذار مکتب کازان بود. کورتنی بر تمایز مطالعه فیزیکی اصوات گفتار از مطالعه روان شناختی تصورات آوایی که دارای نقش خاصی در زبان هستند، تأکید می‌کند. ظاهراً این نظریه نیز پیشنهاد یکی از شاگردانش به نام کروزوسکی<sup>۳۵</sup> بوده است. کروزوسکی واج را مجموعه‌ای از ویژگی‌های آوایی تعریف کرده که در مقایسه با واحدهای آوایی یک زبان و یا چند زبان مرتبط، یک واحد تجزیه‌ناپذیر است.

جی. وینتeler<sup>۳۶</sup> در مطالعه یکی از لهجه‌های سوئیسی بر لزوم وجود دو تمایز آوایی پی می‌برد. یک تمایز که در برگیرنده تفاوت‌های معنایی و دستوری است و یک تمایز دیگر که چنین تفاوتی ندارد.

مسائلی از این دست توسط هنری سوئیت<sup>۳۷</sup>، او. یسپرسن<sup>۳۸</sup>، وی. نورین<sup>۳۹</sup> نیز مطرح می‌شود. ال. وی. شربا<sup>۴۰</sup> واج را با مفهومی مشابه به تعریف تروبتسکوی به عنوان کوچکترین تصور آوایی یک زبان که می‌تواند با تصاویر معنایی همراه باشد، و واژه‌ها را

33 . G. Lepschy , (1972), P.G1.

35 . Kruszewski

37 . H.Sweet

39 . A.Noreen

34 . J.B.de Courtenay

36 . J.Winteler

38 . O. Jespersen

40 . L.V. Šcerba